

اول ماه مه نه روز اعتصاب عمومی متداول، روز اشغال!

جرمی بریچیر (Jermi Brecher)

مقدمه - مترجم

اول ماه مه، روز جهانی کارگر در شرایطی فرا می رسد که جهان تحت سلطه سرمایه بیش از هر زمان دیگری به دگرگونی عمیق نیازمند است. از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ اقتصاد جهان بحرانی ترین سال ها را از سر می گذراند که این بحران همچنان ادامه دارد. درست در چنین سالها ئی است که اعلام می گردد "تعداد افراد میلیارد در جهان از ۵۸۷ نفر سال گذشته افزایش یافت و به ۶۹۱ نفر رسید. همچنین میزان سرمایه این افراد با ۳۰۰ میلیارد دلار بیشتر به ۲ هزار و ۲۰۰ میلیارد دلار افزایش یافت" (۱). از طرف دیگر در همین چند سال اخیر ۲۵۰۰۰۰ هزار دهقان هندی بر اثر فقر و خانه خرابی ناشی از یورش سرمایه نئولیبرال و غصب املاک زراعی شان و یأس و ناامیدی دست به خودکشی دسته جمعی می زنند و ثروتمندان هندی وارد رده ملیاردرهای جهانی می گردند. اکنون به اندازه ای محیط زیست آلوده و ویران شده است که اعلام می گردد، کره زمین به طور واقعی در معرض نابودی قرار گرفته است. دولت های سرمایه داری برای نجات سرمایه از بحران برنامه ریاضت اقتصادی یکی بعد از دیگری از مجالس می گذرانند و برای اجرای آنها از تمام ظرفیت نیروی سرکوبگر استفاده می کنند. اما، در مقابل این یورش ها طبقه کارگر برخاسته است. این طبقه گرچه هنوز از سازمان سیاسی خود محروم است و تشکلات اتحادیه ای و سندیکالیستی اش بعلت سال ها حاکمیت سوسیال دموکراسی از تشکلات مبارزه طبقاتی به تشکلات سازش طبقاتی تبدیل شده اند، ولی مبارزات از پائین توده کارگر رهبران را وادار می کند که از دفاتر به خیابانها کشیده شوند. همین چند روز پیش بود که در پرتقال ۵۰۰ هزار کارگر، جوان و دیگر فرودستان با پلاکارد "نه به استثمار، نه به نابرابری نه به فقر" در لیسبون تظاهرات کردند و با اعتصاب جامعه را از حرکت باز داشتند. در همین پنج شنبه هفته قبل بنا بر اخبار ۱۰ میلیون کار و کارکن اسپانیا یک اعتصاب همه جانبه نموده و بیش از ۴ میلیون نفر رژه رفتند. این حرکت در فرانکفورت آلمان مرکز بانک اروپا و در میلان ایتالیا با شدت پیگیری شد. همه جا را فریاد سرمایه جانی و سرمایه دار جنایتکار است، فرا گرفته است. از سپتامبر سال گذشته جنبشی به نام "جنبش اشغال وال استریت"، قلب سرمایه امپریالیستی شکل گرفت. این جنبش خود را نماینده ۹۹٪ در مقابل ۱٪ می نامد. این جنبش خیلی زود، نه تنها آمریکا بلکه جهان را در بر گرفت. جنبش ۹۹٪ از طبقات و اقشار مختلف و با اختلافات و تضاد های مشخص، اما با یک نکته اشتراک و آن اینکه دیگر تحمل تحت سلطه بودن یک مشت سرمایه دار و دولت هایشان ندارند،

تشکیل شده است. اکنون بحق دارد توجه می یابد که مبارزه طبقاتی کارگران بر علیه سرمایه داران هسته اصلی نیروی تحول مورد نیاز است. فراخوان اعتصاب عمومی در اول ماه مه، از طرف این جنبش جواب به این درک و نیاز است. جنبش اشغال با اعلام اول ماه بعنوان روز اعتصاب عمومی، انسان کارگر را مورد خطاب قرار می دهد. طبقه ای که با سازماندهی خویش، سپیده دم خورشید خوشبختی انسان را در زمین و نه آسمان بشارت می دهد. چیزی که جرمی بریچر، در هر جمله و کلمه خود می خواهد انتقال دهد، همین امید به "خود رهائی" انسانهای کارگراست.

سخنرانی جرمی در پارک زوکوتی نیویورک، برای جنبش "اشغال وال استریت" به نام "دانشگاه را اشغال کنید"، آرزو و هدف واقعی برای تغییر بنیادی در اوضاع نابسامان کنونی به نفع انسانیت را می پراکند. او این باور واقعی را به شنونده و خواننده خود می دهد که طبقه کارگر می تواند و قادر است، با متشکل شدن و درک نیروی طبقاتی اش، جهان را حقیقت ان و به نفع انسان و هستی زمین تغییر بنیادی دهد. همین مرا تشویق به این ترجمه نمود.

او سخنان خود را چنین پایان می دهد: " این اول ماه مه می تواند به روزی تبدیل گردد که امکان پیشبرد دو وظیفه را به موازات یکدیگر و در رابطه با هم فراهم آورد. به روز نمایندگی کردن منافع مشترک جهانی انسان تولیدگر و کارکن و مبارزه برای ایجاد کار و شغل برای همه، همچنین ادامه مبارزه برای اینکه اقتصاد جهانی را به سوئی تغییر بنیادی دهد و طوری بازسازی نماید که حافظ و نگهدار زمین باشد تا وسیله ویران کردن آن.".

من سعی کرده ام که هسته اصلی مطلب نویسنده را برسانم. امیدوارم که در این کار موفقیتی حاصل کرده باشم. با امید و باور به مبارزه همبسته و متدوام طبقه کارگر متشکل و متحد، تنها راه و مسیر خوشبختی انسان.

حمید قربانی ۳- ۴- ۲۰۱۲

اول ماه مه نه روز اعتصاب عمومی، روز اشغال!

جرمی بریچر (Jermi Brecher)

- ۲۷ مارس ۲۰۱۲ منتشر شده در نشریه اینترنتی ضد

متن سخنرانی جرمی بریچر در پارک زوکوتی با نام دانشگاه را اشغال کنید!

در دسامبر سال قبل جنبش اشغال در لوس آنجلس پیشنهاد اعتصاب عمومی در اول ماه مه را با خواسته‌های زیر مطرح نمود: "برای حق پناهندگی، کار برای همه، ممنوعیت تصرف و سلب مالکیت (بانک‌ها خانه‌های مردمی که نمی‌توانند اقساط بانک را بپردازند، تصرف می‌کنند- مترجم)، صلح و برسمیت شناختن اینکه حق داشتن مسکن مناسب، آموزش، بهداشت و درمان از حقوق انسانی هر فردی است". این پیشنهاد فوراً در سراسر کشور پخش شد و سمپاتی در جنبش اشغال جلب کرد، تا اینکه در همین اواخر جنبش وال استریت را اشغال کنید در نیویورک، از آن پشتیبانی نموده و اعلام یک روز اعتصاب عمومی را کرد. "یک روز اعتصاب عمومی برای ۹۹٪ درصد و اقدامات بیشتر"، بر اساس "نه کار، نه مدرسه، نه خرید، نه کار در خانه، خیابانها را از آن خود کنید، میدین را بگیرید". عکس العمل از طرف حاکمین و مرتجعین مسخره کردن و محکوم کردن و از طرف محکومین و استثمار شده‌گان اعلام همبستگی، همراه با پشتیبانی بوده است. چنین اقدامی به چه شیوه و شکلی انجام خواهد گرفت و به چه نتایجی منجر خواهد شد؟

اعتصابات عمومی و اعتصاب توده ای پرندگان!

یک چیز را از همین الان با اطمینان می‌شود گفت: اقدامات اول ماه امسال با احتمال زیاد خیلی شبیه آن اقدامات، اعتراضات و بویژه اعتصابات عمومی و توده ای خواهد بود که در تاریخ جنبش کارگری و بازار کار آمریکا مانند سیاتله، اوکلند و استام‌فورد، سی تی بوقوع پیوسته اند، خواهد بود. یا آن اقداماتی که تأثیرگذار و عمده بوده و هستند، مانند اعتصابات و اعتراضات سیاسی موجود در اروپا. اقدامات بزرگی که بوسیله اتحادیه های کارگری سراسری درخواست شده و اعلام گردیده اند و یا از سوی شوراهای مرکزی نیروی کار فراخوان داده شده اند. اما در آمریکا فقط ۱۲٪ از کارگران سازمان یافته و عضو اتحادیه های کارگری می باشند و از آن گذشته، اگر که کارگران عضو و یا رهبران اتحادیه ها فراخوان چنین اعتصابی را بدهند و آنرا برسمیت بشناسند با ریسک محاکمه شدن و زندان و جریمه روبرو هستند.

بیشترین کسانی که نیرو گذاشته و مدافع اعتصاب عمومی در اول ماه مه

هستند، این را بخوبی درک نموده و می فهمند که یک اعتصاب قانونی و قرار دادی را پیشروی ندارند و چنین چیزی کارت بازی نیست. برعکس چیزی که آنها مدافع و در پی انجام اش هستند، اقداماتی است که اعضای جنبش ۹۹٪ انجام می دهند تا بدان وسیله یک روز، خود را از زندگی عادی و کار در این سیستم ظالمانه و شرایط موجود بیرون بکشند. آلترناتیو چنین است: آنها تصمیم می گیرند که بعنوان استنثار شونده، این روز کار نکنند، اما آنها، همچنین تصمیم می گیرند که در این روز خرید از مغازه ها نکنند، به بانک ها مراجعه ننمایند و از کارهای "نرمال" و معمولی خود داری کنند و حتی کار در خانه را نیز تعطیل کنند، مغزها و دست ها از کار آزاد شوند و فعالیت های روزمره را خود خواسته به دور اندازند. یک روز را در خیابانها، در تظاهرات، اعتراضات دسته جمعی، با هم بودن، بحث کردن، خرابکاری نمودن، مارش رفتن، سرود خواندن، اعلام همبستگی نمودن با کل بشریت تولید کننده در جهان و دیگر فعالیت های توده ای را در دستور گذاشتن است. ترتیب دادن چنین فعالیت های بهم پیوسته ای شغل اتحادیه های معمولی و سازمانهای رسمیت یافته و تحلیل رفته در سیستم، حتی رادیکال نیز نیست. این کاری است که بهمه ما مربوط است و وقوع آن همت دسته جمعی و همبستگی کارگری را می طلبد.

اگر خواسته باشیم از الگوئی پیروی کنیم، الگوش اعتصاب عمومی است که در نوامبر سال قبل در اوکلند به قوع پیوست. آنهایی که مایل بودند اعتصاب نمایند و به سر کار نروند، یک گروه خیلی کوچک و در اقلیت بودند. اما چیزی که در رآلی اتفاق افتاد یک مشارکت توده ای، مارش ها، آموزش و اقدامات هنری و نمایشی، سرود خوانی و در نهایت یک نهار خوری دسته جمعی و مشترک مجانی بود. در آخرین یک تظاهرات و مارش عظیمی بود که به بندر اوکلند ختم شد. آن "اعتصاب عمومی" در اصل صلح آمیز اوکلند که بعد به خشونت و برخورد کشیده شد، پیروز و موفق گردید که شرکت کنندگان بسیاری از اقشار مختلف طبقه کارکن و پشتیبانی وسیع توده ای را به خود جلب نماید.

برای اینکه درک کرده و بفهمیم که چنین اتفاقی کدام تأثیر را روی زندگی ما خواهد داشت، نگاه کردن روزا لوکزامبورگ به اعتصابات عمومی و پریرود زمانی چنین اعتصابات کمکی کننده است. دوره ی "اعتصابات توده ای"، "

این دوره فقط شامل اتفاقات تک و تنها و جدا افتاده از یکدیگر نیست، بلکه تمام دوره شامل و انباشته شده از مبارزات متنوع طبقاتی تشدید شونده ای است که انسانهای کارگر شروع می کنند بر طبق منافع مشترک طبقاتی خود انجام می دهند و با مبارزه مشترک خویش اقدامات مختلف و در هم تنیده مبارزاتی را در دستور قرار می دهند. این اعمال و فعالیت های بزرگی که پرولتاریا بر اساس منافع مشترک طبقاتی و درجه رشد آگاهی خویش در ابعاد بزرگ دست به آنها می زند، عبارتند از اعتصابات عمومی، اعتصابات توده ای، اشغال ها و درگیری های رادیکال و میلیتانتی".

چنین دوره های زمانی از اعتصابات توده ای به دفعات در تاریخ بازار کار و جنبش کارگری آمریکا تکرار شده اند. بعنوان مثال:

سال ۱۸۷۷، درست در وسط کساد عمیق اقتصاد و بازار که نزویک به، به ریشه کن کردن اتحادیه های کارگری است، کارگران در صنایع مسلط بر اقتصاد کشور کارخانه ها را می بندند، راه آهن ها از کار می افتند، در دهها شهر کارخانه های صنایع مهم بسته می شوند، در این زمان است که نیروهای پلیس و دیگر نیروهای انتظامی با کارگران درگیر می شوند، ولی زمانی که نیروهای پلیس نمی توانند جلوی اعتصابات و اعتراضات را بگیرند، ارتش آمریکا کارگران را در شهرهای مختلف به رگبار می بندد که در نتیجه صدها اعتصاب و تظاهرکننده و تماشاچی به قتل می رسند.

در دو سال ۱۸۸۴ تا ۱۸۸۶ اعضای کارگران اعتصابات کننده از ۷۰ هزار به ۷۰۰ هزار عضو می رسند، یعنی ۱۰ برابر می شوند. در اول ماه مه ۱۸۸۶ بیشتر از نیم میلیون کارگر با خواست اصلی ۸ ساعت کار روزانه در شهرهای زیادی اعتصاب و تظاهرات نمودند. این جنبش اعتصابی در همه جا با دخالت سرکوبگرانه پلیسی، همچنانکه معمول است روبرو گردید، اما مهمترین واقعه آن، به "Haymarket riot" معروف است. اول ماه مه بعنوان روز جهانی کارکرو جشن کارگری به احترام، یادبود و افتخار جان باخته گان و دستگیر شدهگان "قربانیان در های مارکت ریوت" که رهبران آنها در یک دادگاه با قضات وابسته محکوم به اعدام گردیدند که از آن، بعنوان "مرگ عدالت" نیز یاد می شود، بنیاد گذاشته شد.

سال ۱۹۳۷ صد ها هزار کارگر در یک " اعتصاب نشسته" کارخانه ها و محل های کار خود را اشغال کردند و زنان خانه دارو دانشجویان و خیلی از انسانهای دیگر به پشتیبانی از این اعتصابات برخاسته وبا همین تاکتیک بر علیه وضعیت موجود اعتراض و مبارزه کردند.

سال ۱۹۷۰، زمان جنگ ویتنام و تغییرات در سطح ملی و منقسم و قطب بندی شدن جامعه بر اثر این جنگ، جنبش حقوق شهروندی و شورش های همه گیر جوانان در همه جا شروع به اعتراض بر علیه جنگ نمودند. رانندگان کامیونها و دیگران، موجهائی از اعتصابات تا آن زمان رخ نداده وحشیانه بوجود آوردند که مهمترین آنها اعتصاب کارگران معادن در ویرجینیای غربی بود که یک ماه اعتصاب سیاسی و مترقی برای عدالت برای قربانیان سرطان شش بود.

چنین دوره هائی از اعتصابات عمومی را روزالوکزامبورگ ، دوره هائی می نامد که در آنها" دریائی مملو و مداوم از پدیده ها و اعمال در حال تغییر و تبدیل مداوم " که هر یک به نوبه خود نو و بدیع و در حال پیشرفت و توسعه هستند به وقوع می پیوندند اما همه این رخداد ها و اتفاقات در یک چیز مشترک هستند و آن اینکه تهدیدات محکمی هستند بر علیه مقامات، یک همبستگی در حال پیشرفت بین گروههای مختلف انسانهای کارگر و اینکه کارگران را برای آگاه شدن از اعمال خویش و تحت کنترل خود در آوردن اقدامات خویش آماده می کنند. طبقه کارگر در چنین دورانهائی در می یابد که از چه نیروئی عظیم برخوردار است و با متشکل کردن خویش در اشکال مختلف می تواند دست به چه اقدامات عظیم (هرکولی مترجم) بزند".

در دوره ی اعتصابات توده ای انسانهای کارگر به این واقف می شوند که گروه بزرگ انسانهای تولید کننده با شرایط مشترک، مسائل، مشکلات مشترک و مقاومت مشترک هستند. آنها خود را با اشکال و شیوههای متعدد سازمان می دهند. آنها در می یابند و آگاه می شوند که قدرت و توان اعمال و اقدامات و دخالتگری مشترک را دارند. آنها از قدرت نهفته در دورن خود برای در دست

قدرت سیاسی برای اداره جامعه و تسلط بر سرنوشت خویش آگاه می شوند. و خواستار دخالت مشترک در همه امور مربوط به جامعه می شوند.

هر قدر که گروه‌های فراخوان دهنده قوی و رادیکال فعال باشند و کار بکنند و اعلامیه بدهند و تلفن بزنند، ممکن نیست که چنین اعتصاب توده‌ای را سازمان داده و امکان آنرا فراهم سازند. این کار از عهده قهرمانان کارگر و زحمتکش در محل کار، کارخانه، شرکت، دانشگاه، بیمارستانها، مدارس و... بر می آید. چنین اعتصاب توده‌ای ممکن خواهد شد بوسیله بحث‌های قانع کننده و پر شور و نشان دادن نیروی مان به یکدیگر، نیروئی که محرک تاریخ بوده است. این آن چیزی است که شما در جنبش اشغال وال استریت انجام داده و می دهید. این نگاه و شیوه کار آن اعتصاب توده‌ای و عمومی اول را ماه مه را که همه انتظارش را داریم، فراهم می آورد و ممکن اش می کند.

اول ماه مه می تواند به چه ختم شود؟

در مرتبه نخست چنین اول ماه مه ای شانس بزرگ برای ۹۹٪ است که خود را نشان دهد، خود را ببیند و مطرح نماید، که بتواند خود را نمایندگی کند و دیگران را نیز. همان پلانها و برنامه هائی را که امروزه جنبش اشغال پیش می برد، ولی در ابعاد بزرگتر و اینکه اقدامات و فعالیت های زیادی را در دستور می گذارد که هر انسانی آنچه را می تواند و توان و تمایل دارد انجام دهد. همواره در چنین دوره هائی است که برنامه ها و فعالیت بدیع و تازه ای به منصفه ظهور می رسند که هیچکس (حزب و تشکل هر چند رادیکال و توده ای نیز - مترجم) قبل از انجام اش نمی تواند پیش بینی نماید. که می تواند ۹۹٪ را به آنها دعوت کند و در دستورش قرار دهد. می تواند یک درجه هائی را برای نفوذ جنبش اشغال وال استریت به مکانهای کار و تولید، جامعه و محیط های دیگر باز کند. می تواند به نیازهای واقعی جواب دهد، می تواند حلقه واسط بین خیابان و کارخانه باشد. می تواند همدلی، هم منافی بودن و اینکه نیروی رسیدن در کجاست را نشانمان دهد. چنین اول ماه مه ای می تواند آئینه ای برای نشان دادن اختلافات و اشتراکات واقعی موجود بین خودمان باشد.

اول ماه مه می تواند لحظاتی برای آموزش باشد. این امکان را خلق کند که میلیونها انسان را به بنیاد نهادن قدرتی دعوت کند که از منافع مشترک واقعی و روزمره و آینده شان سرچشمه می گیرد، می تواند نیروی حل درد مشترک را به میان کشد، اول ماه مه می تواند همکاری و همفکری و حس مشترک انسان بودن را بجا برگرداند. می تواند خود سازماندهی را بوسیله برگذاری متینگ ها و نشست های بزرگ به انسان کارگر نشان دهد. می تواند قدرتی از انسانهای معمولی تولید کننده را فراهم آورد که قدرت آنهایی که ماهر نامیده می شوند را به مصاف به طلبد و تهدید کند و اخطار دهد. قدرتی را از انسانهای شهرها و حاشیه ها، فرودستان و هیچ بودهگان همه چیز باشندگان، سیاهان، آمریکائی لاتینی ها، سفیدها و آفرو آمریکائی، سازندگان واقعی کشور به وجود بیاورد، می تواند پل بزند و امید را بپروراند، می تواند امکان برآورده شدن آرزوهای لگد مال شده ی سالیان طولانی را نشان دهد. می تواند وحشت و هراس را فراری دهد و به جای آن تهور و شهامت و شجاعت توده ای جانشین کند. اول ماه مه می تواند بدنهای جدا مانده، دست های گسسته شده را به یک دیگر پیوند دهد، می تواند امکان گروه مشترک ویژه، با منافع مشترک برای ۹۹٪ فراهم آورد. امکانی برای نشان دادن و به عمل در آوردن همبستگی واقعی بین انسانهای کارکن باشد. می تواند فرق ها و اشتراکات واقعی را بر ملا کند. اول ماه مه، می تواند همبستگی جهانی ایجاد کند، زیرا که اول ماه مه یک حرکت جهانی، یک مراسم جهانی و مبارزاتی طبقه کارگر است. این روز، روزی است که در کشورهای مختلف بوسیله طبقه کارگر جشن گرفته می شود. در این روز هزاران، میلیونها، بلکه میلیاردها انسان فقط به خاطر کارگر بودن، به خیابانها می آیند و میادین بزرگ را برای بیان خواست ها، آرزوهای خود و جستجوی راه حل ها تسخیر می کنند. این یک تعطیلی جهانی طبقه کارگر است. اول ماه مه، روز نمایش قدرت طبقه کارگر جهانی، روز اخطار جهانی است. در این عمل مشترک جهانی و طبقاتی نیرو و توانی نشان داده می شود و باور می کنیم و به آن قانع می شویم که از فرد فرد ما بعنوان افراد گرفته شده است. به ما این نکته را یادآوری می کند که ما عضو یک طبقه با نیازمندی های مشترک هستیم. می تواند، گروههای مختلف که در کارخانه ها، شرکت ها، ادارات و مؤسسات عمومی و خصوصی از یکدیگر جدا کرده اند را، به یکدیگر پیوند دهد. می

تواند نمایش دهنده قدرت مشترکی باشد که هیچگاه به تنهایی نمی توانیم حس و درک اش کنیم. می تواند امکان، درمان درد مشترک را که در فعالیت مشترک و متشکل نهفته است را، افشاء کند و نشان دهد. می تواند، ما را به ما و دیگران نشان دهد.

حالا با فکر کردن به این امکانات، ما می توانیم ببینیم که چه پیشرفت هائی را برای قله کوه ایجاد می کند؟ درپائین به چند تا از این امید و امکانهای پرارزش به طور ویژه اشاره می کنم.

- نشان می دهد که ۹۹٪ جنبشی خیلی گسترده تر و عمیق تر از گروههایی است که تظاهراتها را فراخوان داده و با پلیس درگیر می شوند. اعضائی که شب ها روی نیمکت ها در مراکز و پارک ها می خوابند.
- انسانهای زیادی را فراخوان دهد که تا کنون نتوانسته اند در هیچ عمل و اقدام مشترک با "جنبش ۹۹٪" شرکت نمایند.
- سئوالات پروژه ۹۹٪ را بمیان تودهها برده و در ملا عام و در صحن عمومی جامعه قرار دهد.
- سطح خواست ها و مشکلات زیست محیطی ۹۹٪ را که تا کنون جوابی به آنها داده نشده است را بالا برده و شرکت های مونوپل و سازمانهای تولیدی و مالی سرمایه داران را مورد نقد قرار داده و آنها را وادار به جواب در برابر این همه خرابی و ویران سازی که برای محیط زیست و کره زمین در حال و آینده ایجاد می کنند، وادارد.
- در صورت امکان خود سازماندهی را بوسیله متینگ ها و مجامع عمومی در محیط های کار بین رفقای کارگر ایجاد کند و در صورتی که این امکان نباشد در پارکینگ ها و یا مکانهای دیگر .
- زیرا که اول ماه مه یک مراسم و جشن جهانی است، آگاهی جهانی بودن ۹۹٪ را در نزد یکایک ما به وجود می آورد

اتحادیه های کارگری و اول ماه مه

اتحادیه های کارگری در آمریکا خود را به قوایین بسته اند. این قوانین

طوری نوشته شده اند که آنها را از اعتصابی خارج از مسائل محیط کاری کارگران محروم کرده اند. اتحادیه ها حق شرکت و فراخوان اعتصابات پشتیبانی و سیاسی را ندارند. حتی کارگران عضو اتحادیه حق اعتصاب برای مسائل صنفی، مسائل مربوط به محل کار در ایام قرارداد را ندارد. اتحادیه هائی که چنین ممنوعیت ها و مقررات را زیرپا بگذارند و بشکنند، مورد اتهام قرار گرفته و دادگاهی و جریمه شده و حق چانه زدن در زمان بستن قرار دادهای دسته جمعی را نیز از دست می دهند. رهبران آنها را به زندان می اندازند. حتی با این حال گاهی پیش آمده است که اتحادیه ها چنین کاری انجام داده اند. و اما، در اعتصاب عمومی اول ماه مه، آنها در شرایطی که کارگران حاضرند که چنین نتایجی را بپذیرند و اعتصاب عمومی را به درجه درگیری برسانند، کاری از چنین اتحادیه هائی ساخته نیست. آنها توان تبلیغ و ترویج و تشویق کارگران به شرکت در چنین اقدام رادیکالی را ندارند.

تاریخ ان اتحادیه های کارگری در آمریکا بر علیه کارگران عضو اتحادیه که در اعتصابات سیاسی و اعتصابات غیر اتحادیه ای شرکت کرده اند، اقدام نموده اند، زیرا که آنها می خواهند که کارگران را زیر رهبری و سلطه انحصاری خویش داشته باشند. آنها نمی خواهند و مایل نیستند که کارگران مستقیم خود وارد عمل شوند. آنها حقیقت ان از عمل مستقیم کارگران وحشت دارند. به زبان جنبش کارگری چنین اعمال و اقدامات اجازه داده نشده را " دونل اتحادیه" دانسته و در نزد رهبری محکوم شده هستند. اتحادیه های آمریکائی با دیسلپین سخت عمل می کنند و در خیلی مواقع کارگرانی را که خارج از اتوریتیه رسمی آنها دست به اقدامی می زنند را جریمه نموده و به دادن خسارات و ادار کرده اند. چنین کارگران نافرمان را در لیست سیاه گذاشته و به سختی با آنها به مخالفت برخاسته و باصطلاح نقره داغشان می کنند. آنها اغلب اعضای خود را وحشت زده می کنند که بخواهند در اعتصابات توده ای شرکت نمایند که از طرف حاشیه نشینان و فرودستان جامعه و حتی همکارانشان اعلام می شوند. این وظیفه بر عهده جنبش است، در هر صورت نمی توان این را وظیفه

و مسئولیت اتحادیه ها تلقی کرد. این مربوط به شرایط بین یک گروه از کارگران با کارفرمایانشان نیست. این مربوط به قرارداد های دسته جمعی نیست. حتی گرچه مربوط به داشتن حق کارگران در سازمان دادن خود است، ولی ربطی به حقوق اتحادیه ها ندارد. این مربوط به مسائل و مشکلات گسترده اجتماعی و جامعه است. این یک عمل جنبش طبقاتی است، این مربوط به داخل ۹۹٪ است و نه صنفی کارگری و اتحادیه ای. اتحادیه ها در نیویورک و جاهای دیگر مشتاق هستند که با جنبش در اقدامات مشترک شرکت نمایند. آنها برنامه هائی برای اول ماه مه دارند و اعلام کرده اند. اما اینکه انتظار داشته باشیم که آنها اعضای خود را فراخوان دهند که در اعتصاب عمومی رادیکال که خواهان تغییر قوا است شرکت کنند، مثل این است که خواسته شود که آنها خودکشی نهادی نمایند.

اتحادیه ها در آمریکا در وضعیت دشواری خود را گرفتار کرده اند، زیرا که آنها نمی توانند اعضای خود را برای شرکت در چنین اعتصابات فراخوان دهند، ولی اعضای آنها در زیر قانون اساسی آمریکا زندگی می کنند که مقرر می دارد کسی را نمی توان بر خلاف میل او از کاری منع و یا به کاری وادار نمود. آنها انسانهای آزاد هستند و برده نیستند. بوسیله نرفتن به سر کار این اعضای اتحادیه ها هستند که در اقدامات اول ماه مه شرکت می کنند. اتحادیه ها می توانند بگویند این درست است که ما قانون ان حق فراخوان شرکت اعضای خود در چنین اقداماتی را نداریم، ولی حق این را هم نداریم که کسی را برخلاف خواست او مجبور به کار کردن نماییم. در این رابطه می توان به یک سایقه تاریخی اشاره کرد: زمانی که کارگران معادن الینوس (Illinois) به دفعات دست به اعتصاب وحشی طولانی مدت زده بودند، رهبر آنها اسکندر هووات (Alexander Hovav) را مجبور کردند که آنها را به کار برگرداند. او گفت که نمی تواند چنین کاری بکند، زیرا که او آنها را تشویق به اعتصاب نکرده است، در این صورت او حق ندارد که آنها را مجبور به برگشت به سرکار نیز نماید.

شرایط کارسازمان یافته ی کارگران را بایستی تغییر داد، و فعالیت هائی چون فراخوان اول ماه مه و شرکت عملی در آن می تواند، به این تغییر واقعن کمک کند. اما، کارگران می توانند با اقدامات مستقیم خود برای رهبران اتحادیه ها شرایط را مشکل کنند، بوسیله الهام گرفتن و الهام دادن، مثلن بوسیله همبستگی کردن و دادن آلترناتیو به کارگران عضو اتحادیه ها.

اعتصاب توده ای جهانی

ما امروز خود را در میان موجی از اعتصابات عمومی و توده ای جهانی می یابیم- شاهد این هم تحول عظیمی است که اتفاق افتاده است و هر روز بوسیله اخبار از آن با خبر می گردیم. اینکه اعتصابات عمومی و توده ای سراسر جهان را فراگرفته اند. روزی نیست که در کشورهای مختلفی از جهان مبارزه و اعتراض و اعتصاب توده ای و عمومی نباشد. هیچ کشوری از این مصون نیست. اعتصابات ویسکانسن، اوکلند و جنبش اشغال وال استریت اولین اقداماتی بودند که کارگران آمریکا را به این حرکت جهانی پیوند دادند. اول ماه مه ۲۰۱۲ می تواند واقع ان و حقیقت ان به یک واقعه جهانی تبدیل گردد، و این بدین معنی است که برای ۹۹٪ امکان جهانی بودن اش را فراهم می آورد که خود را در یک عمل جهانی و مشترک ببیند و جایگاه جهانی خود را هم برای خود و هم برای دیگران رسمیت دهد.

در حالی که اوضاع کنونی برعهده جنبش می نهد که خود را با مسائل و مشکلات و بی عدالتی های اقتصادی در گیرد کند، این امکان را نیز فراهم می آورد که ۹۹٪ چون چشمه ی جوشانی بجوشد، بلی، بوسیله همه انسانها- مرزهای ملی را در نوردد و عمل ان جهانی گردد. در ژانویه یک قطعنامه درمجمع عمومی اشغال وال استریت به تصویب رسید که چنین می گوید: "ما هم اکنون در یک مقطع حساس و خیلی خطرناک تاریخی قرار گرفته ایم. ویرانی کره ما و تغییرات آب و هوایی تقریب ان به نقطه غیر قابل برگشت رسیده است". هر چند که در آمریکا

هنوز از تأیید خطر آب و هوایی به طور گسترده خود داری می شود و از این بحث به شدت جلوگیری می شود، دیگر کشورها این خطر را برسمیت شناخته اند و اعلام می دارند که باید هر چه زودتر سیستم اقتصادی حاکم بر جهان را به سیستمی آب و هوا دوست و قابل دوام تغییر داد. اوضاع جهانی نیاز به تغییرات بنیادی را گوشزد و اخطار می دهد. جنبش کارگری در کشورهای دیگر جهان خود را وابسته به تغییرات بنیادی اقتصادی نموده است که برای نجات آب و هوای زمین ضروری اند. این دگرگونی می تواند هسته اصلی برنامه ای جهانی برای آفریدن دنیایی باشد که اقتصاد آن نه در برابر طبیعت و بر ضد آن بلکه موزون با آن باشد و یک آینده مطمئن برای زندگی انسان در آینده را فراهم آورد. همه نیروی انسانی را برای تغییراتی بسیج کند که آلوده کردن محیط زیست را تحت کنترل انسانها قرار دهد، شیوه یک زندگی با دوام و متوازن را بوجود آورد.

اول ماه مه یک تعطیلات و کارزار بین المللی در بازار کار برای بیشتر از یک صده یوده است. اما، برای هزاران، (میلیونها، حتا میلیارد ها- مترجم)، نفر انسان کارگر این روز به یک جشن معمولی و طبیعی تبدیل شده است. این برداشت را می توان تغییر داد و بهتر که هر چه سریعتر تغییر یابد. روز اول ماه مه را باید به روز اعلام خواست ها و اهداف طبقاتی طبقه کارگر تبدیل نمود. روز اول ماه مه می تواند به روز برآورد کارهای انجام شده در یک سال و کارهای انجام نشد، به روز سنجش توازن نیروی طبقات اجتماعی، اعلام چگونه گی تغییر در آن و نقش و جایگاه طبقه کارگر در تغییرات اجتماعی، در روند مبارزات جاری تبدیل گردد. چنین اول ماه مه ای می تواند، حقیقت ان به روز یاد بود جانباختگان کارگرو محاکمه و اعدام رهبران آنها در "Haymarket riot" تبدیل گردد. اول ماه مه امسال در شرایط موجودیت مبارزات حاد جواب نگرفته از میدان التحریر قاهره و میدان دروازه خورشید مادرید تا بندر اوکلند، ویسکانسن و... برگزار می گردد. چنین اول ماه مه ای می تواند به روزی تبدیل گردد که امکان پیشبرد دو وظیفه را به موازات یکدیگر

و در رابطه با هم فراهم آورد. به روز نمایندگی کردن منافع مشترک جهانی انسان تولیدگر و کارکن و مبارزه برای ایجاد کار و شغل برای همه، (برای یک زندگی امن و مرفه و شاد- مترجم) و همچنین ادامه مبارزه برای اینکه اقتصاد جهانی را به سوئی تغییر بنیادی دهد و طوری بازسازی نماید که حافظ و نگهبان زمین باشد تا وسیله ویران کردن آن.

کتاب جدید جرمی بریچر (Jermy Brecher) به نام نجات دادن انسانها؟ حافظین معمولی در فعالیت، که از سوی مؤسسه موازی به تازگی به چاپ رسیده است، در این باره صحبت می کند که چگونه جنبش های اجتماعی می توانند جامعه را تغییر دهند. جرمی بریچر بیشتر از دو جین کتاب در باره ی کار و جنبش های اجتماعی نوشته است که از جمله اعتصاب و ادغام: این دموکراسی اقتصادی در براسل والی، برنده شدن ه گانه منطقه ای امی ادوارد برای کاراوبرای ساختن فیلم واقعی اش. جرمی هم اکنون در یک شبکه مربوط به بازار کار برای توسعه پایدار به کار مشغول است.
لینک اصلی مطلب

<http://www.zcommunications.org/occupy-may-day-not-your-usual-general-strike-by-jeremy-brecher>

(۱) به نقل از سایت زیر:

<http://rabeaa.blogfa.com/8901.aspx>